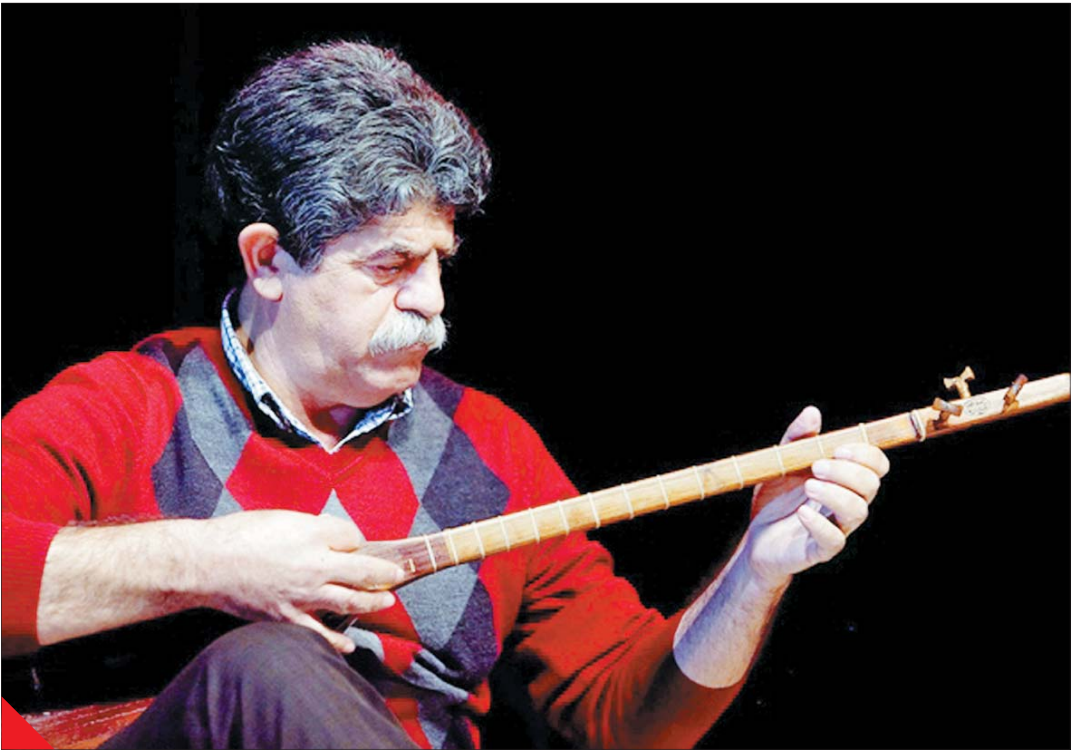


به مناسبت سالروز تولد علی‌اکبر مرادی

نسیم جاودانه در گندمزار تنبور

فرزاد بازگیر



عکس: سیدتینوکان

و گروهشان بوده است. «مهجوری» حاصل کنسرت‌های استاد در دهه ۷۰ به‌همراه شاگردانشان به نام لاوچ بوده است و آهنگ‌های زیبای این آلبوم مانند مهجوری بر اساس تکنیک‌های سازی تنبور و ملودی‌های فراق و خزان بر اساس فرم آوازی مقام سه رته رز ساخته شده‌اند. در آلبوم «یار آسمانی»، اولاش اژدمیر، نوازنده چیره‌دست موسیقی مقامی ترکیه، به‌همراه ساز استاد مرادی هنرنمایی می‌کند. آهنگی با نام «وداع» را می‌شنویم که هر شنونده‌ای را به وداعی شیرین دعوت می‌کند و بر اساس فضای مقامات قطار و سحری است و همچنین آهنگ تکنیکی، زیبا و شناخته‌شده «مهجوری» در فاصله موسیقایی متفاوت‌تر از اولین اجرای این آهنگ در آلبوم مهجوری که اشاراتی به مقام سه رته رز دارد و دارای تکنیک خاص غنچه‌ایشان است، نواخته شده. همچنین در آلبوم «نسیم گندمزار» با نوا ی ملودی‌هایی چون شن و خرمن، سماع خورشید و… با استفاده از قابلیت‌ها، فواصل و نواهای مقام غربیی هر مخاطبی را به عمق فرهنگ‌ها و سنت‌های بومی پاک مناطق کردنشین و روایهای کودکی‌مان می‌برد و همچنین در قطعه به «پیشواز بهار» با نوا ی مقام قطار سرمای خشک زمستان را پشت‌سر گذاشته و هر مخاطبی را به پیشواز بهاری رنگارنگ و لطیف سوق می‌دهد. آلبوم «دواله» خود اثری است تمام‌عیار در زمینه موسیقی تنبور و مقامات آن. آهنگ دواله به تبعیت از معنی زیبای آن (دو عاشق) هر شنونده‌ای را به حس‌وحال آتش درونی عشق آدمی برای رسیدن به معبود ازلی- ابدی می‌برد و احساسی ژرف را در مخاطب ایجاد می‌کند. در این آلبوم آهنگ‌هایی مانند سوگو رستم، ایر در ایر و… بر اساس مقام مجنونی و رنتم‌ها و دورهای این مقام ساخته شده است. استاد مرادی آهنگ‌های آلبوم «پاپیز» را براساس مقام شاخوشینی و پرده‌های چهارگاه ساختند که در آهنگ زیبای پاپیز از مضارب‌های «گل ریز چپ» به زیبایی و پختگی هرچه‌تمام‌تر استفاده شده است.

- ایشان اولین هنرمندی بودند که در آثارشان در کنار تنبور و موسیقی بکر آن از سازهایی چون: کمانچه، نی، باقلاما، تار و تارباس و عود با نوازندگی بهترین استادان استفاده کردند، اما نکته حائز اهمیت این است که برخلاف سایر افرادی که این حرکت را انجام دادند هیچ‌گاه موسیقی و سازشان دست‌خوش و تحت‌تاثیر ساز و موسیقی‌های دیگر قرار نگرفت و

گزارش نیویورک‌تایمز از آرت دویی

هنرمندان مسلمان علیه فرمان ترامپ

فرچ نیبری ، ترجمه: هادی آذری



فرمان‌شهر «نسیم» / اثر:صادق رحیم

آمرستردام و ایران زندگی می‌کند. سمیعی می‌گوید او برای انجام یک پروژه مشترک با یک فیلم‌ساز آمریکایی برنامه‌ریزی کرده است و حالا اگر نتواند به آمریکا برود، کارشان به‌مراتب سخت‌تر می‌شود. او معتقد است این ممنوعیت تأثیر «عقیم‌کنندای» بر جهان غرب خواهد داشت. او افرادی خلاق مانند خودش را سفیران فرهنگی غرب در ایران دانسته و می‌افزاید: «ارزش‌های غربی در آثار ما حضور دارند و ما به سبک غربی‌ها در ایران زندگی می‌کنیم». او با اشاره به اینکه خراب‌کردن پل‌ها معنایی ندارد، می‌گوید: «رخدا‌دهای هنری همواره مکانی برای ارتباطات دیپلماتیکند. اگر شما خودتان را از دیدن این آدم‌ها محروم کنید، داستان شما خیلی یک‌طرفه خواهد بود».

در آن سوی دیگر نمایشگاه، غرفه بزرگی وجود

آنچه مسلم است قدمت مقامات و نوازندگان ساز تنبور را می‌توان از هزاران‌سال پیش مورد بررسی قرار داده و به این مهم اشاره کرد که بهترین، بکرترین و اصیل‌ترین این مقام‌دانا ن و نوازندگان تنبور در منطقه گوران می‌زیست‌ه‌اند. دراین‌میان نوشتار حاضر به چکیده فعالیت‌های یکی از هنرمندان برجسته و موسیقی‌دانان کم‌نظیر عصر حاضر «استاد علی‌اکبر مرادی» در سالروز تولد ایشان پرداخته است که ایشان را می‌توان به‌عنوان یکی از بهترین نوازندگان و مقام‌خوانان تاریخ تنبورنوازی ایران که از شهرتی بی‌بدیل نیز برخوردارند، به‌شمار آورد. ... استاد علی‌اکبر مرادی اولین و تنها راوی مستندی هستند که مقامات تنبور را ثبت، ضبط و منتشر کردند.

استاد مرادی ۷۲ مقام تنبور را در آلبومی به نام «مقامات یاری» با همکاری خانه فرهنگ‌های جهان در پاریس ضبط کردند که این آلبوم بعدا در ایران نیز منتشر شد. این اثر تنها مرجع صوتی برای علاقه‌مندان، پژوهشگران و نویسندگان در زمینه موسیقی مقامی تنبور است.

زادگاه استاد علی‌اکبر مرادی محل نغمات بکر و دست‌نخورده و همچنین نوازندگان، مقام‌خوانان و مقام‌دانانی است که می‌توان صحیح‌ترین نوع آن موسیقی‌ها را به‌دلیل دوری از مناطق شهری و صعب‌العبوربودن در آن مناطق شنید. با بررسی آثار استاد علی‌اکبر مرادی و شنیدن آلبوم‌های ایشان می‌توان در نوازندگی مقامات، تکنیک و تبحر سیدمحمود علوی، خلافت میرزااسدعلی کفاشیان و در خواندن مقامات از سوی ایشان (کلام kelam) صدای دلنشین و آسمانی کالکی الله‌مراد حمیدی و پختگی نوا ی سیدولی حسینی را که همگی از بهترین استادان دو قرن اخیر منطقه گوران بوده‌اند، را احساس کرد. غیرقابل‌انکار است که ایشان میراث‌دار و راوی استادان تنبور نسل قبل از خود (که متأسفانه هیچ‌گاه صدا یا اثری از ایشان ثبت و ضبط و منتشر نشده است) در منطقه گوران و واسطه و رابطی حادق میان آنها و نسل امروزند که دارای درک و استعدادی بی‌مثال در زمینه موسیقی هستند. در بررسی آثار استاد علی‌اکبر مرادی، ایشان را می‌توان در نوازندگی ساز تنبور یگانه و بی‌مثل‌وماندن خواند و در تحلیل آثار ایشان می‌توان به دلایلی چند در این زمینه اشاره کرد:

- بررسی صداهای گذشتگان حتی استادان امروز منطقه مشخص می‌کند که به‌جز تعداد اندکی، اغلب ایشان از سطح نوازندگی خوبی برخوردار نبوده‌اند، چون اغلب اوقات مقامات تنبور برای برد، اندرز، روش زندگی، حق‌پرستی، بیان نوشته‌های ارزشمند دفاتر کهن یارسان، القای حالت یا پیام خاص یا ملودی‌های کاملا مشخص مدنظر بوده است تا نواختن و نوازندگی درست ساز تنبور و جنبه آیینی این ساز و نوایش از جنبه موسیقایی آن پیشی گرفته است، به‌طوری‌که در منطقه گوران افراد مسنی هم که با نوازندگی تنبور غریب هستند اکثر مقامات را حفظ و به‌خوبی می‌خوانند. با این توضیح می‌توان گفت که استاد علی‌اکبر مرادی با روندی که در هنر خویش پیش گرفتند وجه اصلی ساز تنبور و موسیقی مقامی کهن آن نشان دادند که نواختن و خواندن در نوازنده تنبور باید با تعادل و تعاملی دوطرفه انجام شود.

- مورد دیگر اینکه استاد علی‌اکبر مرادی اولین نوازنده‌ای بودند که با توجه به احاطه‌شان به موسیقی مقامی تنبور، آثار و آلبوم‌هایی را بر اساس مقامات تنبور با اقتباس و برداشتی از این موسیقی یا موسیقی کردی ساخته و مسیر و سخی نو و اصیل را در این ورطه آغاز کردند. ایشان با انتشار این آلبوم‌ها قابلیت و استعداد موسیقی مقامی تنبور را مطرح کردند که تا آن زمان فقط در اماکن یا مراسم‌های خاص نواخته می‌شد.

- در ادامه می‌توان گفت ایشان با توجه به آشنایی کامل با موسیقی کُردی و چهره‌های ایرانی و اشتراکات آنها با موسیقی تنبور آثار ارزشمندی را منتشر کردند که آلبوم «در آینه آسمان» شناسنامه‌ای است ارزشمند بر این ادعا. در این آلبوم کمانچه‌نوازی استادانه کیهان کلهر و تنب‌نوازی متبحرانه پژمان حدادی، پنجه‌های ناب و ملودی‌های آسمانی استاد مرادی را همراهی می‌کنند. در این آلبوم برداشتی آزاد و بسیار خلاقانه از مقام‌های گل و ده ره و آوُن از سوی استاد مرادی با ملودی‌های زیبایی که همراه تکنیک‌های خاص دو مقام هستند اجرا شده است. آلبوم «مهجوری» اولین اثر استاد

یاد‌یاد‌یکندنگان از نمایشگاه هنر دویی شاید این اثر خیر‌کننده را در غرفه نگارخانه المرحون دیده باشند؛ یک قالی دایره‌ای‌شکل و ریشه‌دار که نشان ملی ایالات متحده بر آن نقش بسته است یعنی همان عقاب در حال پرواز که بر فراز آن عبارت یونانی «یگانه» مرقوم شده است. این اثر که «ما جهان هستیم» نام دارد متعلق به صادق رحیم، هنرمند مصری، است. او این اثر را بلافاصله بعد از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و بر اعتراض به دیدگاه‌های او در باب مهاجرت و نگرش او در سیاست خارجی خلق کرده است.

خود قالی در اصل در شهر حلب سوریه بافته شده و عقاب براساس تصویری که هنرمند از قالی‌های داخل اتاق کاخ سفید دیده، کشیده شده است. او از واکس کشش مشک‌ی استفاده کرده که به گفته خودش به مردی که در سال ۲۰۰۳ و بر اعتراض به حمله آمریکا به عراق، کشش‌هایش را به سمت جورج بوش پرت کرد، ارجاع دارد. طبق گفته رحیم، قالی سروه‌ته آویزان شده «چون جهان سروه‌ته شده است». او دراین‌باره می‌گوید: «زمانی همه ما روی آمریکا حساب می‌کردیم. به خودمان می‌گفتم‌ی‌اگر در نقطه‌ای از جهان آشوب و بلوایی به پا شود، آمریکا آنجا حضور خواهد داشت و همه ما را نجات خواهد داد. الان دچار تردید شده‌ام».

لازم به توضیح است هفته «هنر دویی» هم‌زمان با صدور فرمان محدودیت سفر اتباع چندکشور مسلمان از سوی ترامپ برگزار شد؛ البته پیش از آنکه از سوی یک قاضی فدرال در هاوایی نقض شود. این فرمان که در شش ماه مارس سال جاری به امضا رسید، برای ۹۰ روز از ورود اتباع شش کشور بیشتر مسلمان جلوگیری کرده و تمام درخواست‌های مهاجرت را برای ۱۲۰ روز به حمله تعلیق درمی‌آورد. این در حالی است‌که اکثر هنرمندان، نمایشگاه‌گردانان و گالری‌داران حاضر در نمایشگاه هنر دویی به کشورهای مسلمان تعلق داشتند. بسیاری این ممنوعیت را بیگانه‌هراسانه دانسته و بر این باور بودند می‌تواند به انزوای فرهنگی ایالات متحده بینجامد.

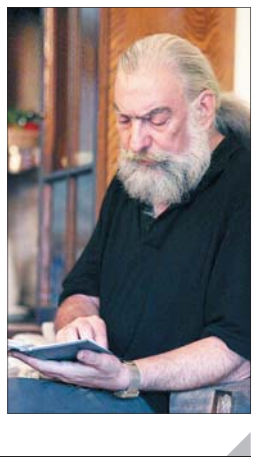
در غرفه گالری زیرزمین دستان از تهران، اشکان

موسیقی و تجسمی

مضرباب

بازآفرینی قطعه‌ای از پرویز مشکاتیان

موسیقی ما: «پویا سربابی» و «میثم مروستی» قطعه سنتور و ارکستر اثر پرویز مشکاتیان و کمبیز روشن‌روان را که «محمدرضا شجریان» خوانده است، برای ارکستر زهی تنظیم و بازآفرینی کردند. این قطعه در دهه ۷۰ شمسی در آلبوم دود عود به خوانندگی استاد محمدرضا شجریان منتشر شده است. دود عود پیش از این در دستگاه نوا با همراهی ارکستر سمفونیک تهران در سال ۱۳۴۶ اجرا و سال ۱۳۶۸ منتشر شد. دود عود شامل آواز علق کچا بی برد شیوه سودای عشق، آتش عشق تو در جان خوش‌تر است، در عشق تو عقل سرنگون گشت و تصنیف یوسف خوش‌نام ماست. اشعار این آلبوم از سروده‌های مولانا و عطار هستند و قطعه بی‌کلام این آلبوم را که قطعه‌ای برای سنتور و ارکستر است، می‌توان جزء برترین موسیقی‌های سنتی ایرانی دانست؛ حالا سربابی و مروستی آن را در دستگاه نوا و به وسیله ارکستر زهی تنظیم کرده‌اند. سربابی در آخرین روزهای سال گذشته قطعه «بهار دلکش» با خوانندگی سالار عقربی را تنظیم کرده بود که به‌عنوان عیدانه برای مخاطبان منتشر شد. این اثر برای ارکستر مجلسی و تک‌خوان با سازهایی مانند ویلن یک و دو، آلتو، ویلنسل، کنترباس، پیانو، هارب، تیمپانی و ادوات کوبه‌ای به وسیله سربابی تدوین و تنظیم شده بود. در آن قطعه نیز نوازندگی ارکستر زهی در بهار دلکش را میثم مروستی برعهده داشت.



روزنه

یادبود عباس کیارستمی در سطح شهر تهران

● **شرق:** این روزها می‌توان باز هم عباس کیارستمی، عکاس و فیلم‌ساز فقید ایرانی، را در خیابان‌های شهر تهران دید. به گزارش روابطعمومی سازمان

زیاسازی شهر تهران، یک هنرمند نقاش از اجرای اثری برای یادبود عباس کیارستمی در دومین سالانه «بهارستان» خبر داد و گفت: با توجه به اینکه عشق به طبیعت در کیارستمی برای همه ما یک درس بود، بنابراین طبیعی است بخواهیم در فصل بهار و بیداری طبیعت به ایشان اشاره کنیم و بخشی از «بهارستان» را به یادبود این بزرگوار اختصاص دهیم. بهزاد شفق از هنرمندان بخش آثار حجمی و هنرهای محیطی، درباره اجرای اثری برای یادبود عباس کیارستمی در دومین سالانه بهارستان گفت: با توجه به اینکه ما امسال بهار دیگر عباس کیارستمی را به‌عنوان یک چهره برجسته و دوست‌داشتنی هنر دیگر در کنار خود نداریم، تصمیم من از این حق محروم شده‌اند». یوهانا سماووی، از بنیان‌گذاران گالری ایام که پسر و دخترش در آمریکا تحصیل می‌کنند، می‌گوید اگر می‌دانست آقای ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌شود، هرگز فرزندانش را به تحصیل در آمریکا تشویق نمی‌کرد. او که در سوریه متولد شده و اکنون ملیتی سوئیس‌ی دارد، می‌گوید به‌عنوان یک گالری‌دار از خاورمیانه، ایده ممنوعیت سفر را یک تفکر مشم‌زن‌کننده می‌داند. او به سخنان خود این‌طور پایان می‌دهد: «فکر می‌کنم فضای خصمانه‌ای علیه تمامی اعراب ایجاد شده است. من به‌عنوان یک انسان فکر نمی‌کنم اگر کار مثبتی انجام می‌دهم، باید برای همه آن را توضیح دهم. کار ما پیوندنن فرهنگ‌هاست».

زخمه

موسیقی فاخر چیست



عزیز قاسمزاده خواننده

پرسشی که از معنای این عنوان برمی‌خیزد این است که آیا موسیقی فاخر نحله‌ای خاص از موسیقی است یا هر نوعی از موسیقی که براساس دسته‌ای از مؤلفه‌های مبنایی در مباحث مبتی‌بر نقادی هنر، دارای قوت باشد می‌تواند موسیقی فاخر محسوب شود؟ اگر مراد ما از موسیقی فاخر نوع اول باشد وفی‌المثل موسیقی فاخر را موسیقی ملی یا موسیقی ایرانی بنامیم، گونه‌های دیگر موسیقی؛ از موسیقی محلی و بومی تا پاپ و… با هر کیفیت مطلوبی فاخر به حساب نمی‌آید و اگر مراد ما از موسیقی فاخر نحله‌های مختلف موسیقی در صورت برخورداری از پرنسب‌های هنری لازم براساس معیارهای زیبایی‌شناسانه هنری باشد، در این صورت می‌توان به نوعی کثرت‌گرایی در معنای فاخر در نحله‌های مختلف رسید که باید به صورت گزینشی از هر نوعی فاخرش را انتخاب کنیم. ضمن اینکه موسیقی فاخر را برحسب موسیقی باکلام و بی‌کلام هم می‌توان مورد داوری قرار داد که نوشتار حاضر تاملی گذرا بر موسیقی باکلامی است که بر آن موسیقی فاخر لقب می‌دهیم. به گمان نگارنده به‌طورکلی در جغرافیایی به نام ایران موسیقی فاخر باید دارای مؤلفه‌های زیر باشد: ۱- زبان و کلام باید از سلاست برخوردار باشد و در عین روانی، باتزایی از آمال، امیدها، ناامیدی‌ها، رنج‌ها، شادی‌ها، غم‌ها و عاطفه‌های مختلف مردم در حیطه‌های فردی و جمعی باشد. نقش کلام نقشی تعیین‌کننده در جاودانگی اثری است که موسیقی فاخر نامیده می‌شود. ۲- توازن میان ملودی کلام و ساختار کلی حکم بر موسیقی هم عامل دوم در تعیین فاخربودن موسیقی است. گاه مشاهده می‌شود با یک ملودی بسیار زیبا روبه‌رو هستیم؛ اما ارکستراسیون کار متناسبی با زیبایی ملودی ندارد. باید توازنی میان این دو باشد که هر دو دوشادوش هم در خدمت جلوه‌های هنری باشند.

برای شناسایی این قوت و ضعف هم باید معیار داشته باشیم. صرف مقبولیت عام نمی‌تواند توفیق کافی برای اثری تلقی شود، باید این مقبولیت عام در کنار مشروعیتی قرار گیرد که گوهرشادان هنری بر اساس اسلوب‌های زیبایی‌شناختانه، بر اثری مهر تأیید بزنند. گاه اثری بنا به اقتضائاتی در برهه‌ای مقبولیت عام یافته؛ اما مشروعیت هنری بر مبنای نقادی‌های هنری نداشته است. این آثار از قضای روزگار پس از مدتی مقبولیت عام را هم از دست می‌دهند و به بوته فراموشی سپرده می‌شوند. در عوض ممکن است آثار دیگری مدتی مقبولیت عام را کسب نکنند؛ اما از مشروعیت هنری برخوردار باشند. فراموش تکنیم پروپاگاندای رسانه تاکون نقش تعیین‌کننده در برهم‌زدن این توازن داشته است؛ یعنی اگر مسئولیت راسنیر رسانه توزیع آگاهی‌های هنری و افزایش سقف ارتفاع و بیش هنری مخاطبان باشد، شکاف میان قضاوت‌های عامیانه و داوری‌های کارشناسانه تا حدود زیادی تقلیل می‌یابد. ۳- نقش خواننده یکی از محوری‌ترین نقش‌ها در مانایی اثر و کمک به فاخربودن اثر است. تصور کنید فی‌المثل کار آسان جانان با بیداد مرحوم استاد پرویز مشکاتیان را خوانده دیگری از میان خوانندگان حرفه‌ای و کارآمد به‌جز استاد شجریان می‌خواند؛ آیا هرگز به این مانایی دست می‌یافت؟ مرحوم لطفی تصانیف بسیار زیبایی ساخته که هیچ خواننده‌ای آن را نخواند و باوجود اینکه این تصنیف‌ها به صدای خودش منتشر شده و حتی بخشی از مخاطب لطفی رفته این خوانان را بشیر لطفی در خواندن این آثار قائل بود؛ اما هرگز آن جلوه آثار منتشرشده‌اش را با صدای خوانندگان شناخته‌شده پیدا نکرد. بنابراین توانایی اجرای خواننده گاهی فاکتور بسیار مهمی در پذیرش فاخربودن کاری است. بسیاری از کارهایی که استاد ایرج در فیلم‌ها خوانده، از میان سه مؤلفه شعر، آهنگ و اجرا به‌حدی در عامل سوم قوی و غنی است که توانسته آن دو ضعف را بپوشاند. گاهی هم محتوای موسیقایی و اجرای خواننده می‌تواند بر ضعف کلام غلبه کند. تأثیر اینها بر هم تأثیری دیالکتیکی است و درمجموع بر قضاوت و داوری نهایی اثر خواهد گذاشت. واقعیتی دیگر که بر روح موسیقی شرقی و موسیقی ایرانی حاکم است، خواننده‌محوری در موسیقی است. بسیاری تاکنون خواسته‌اند با این سنت مبارزه کنند و نقش خواننده را نقشی برابر با سایر اعضا در پیدایش اثر بدانند.

تردیدی نیست که یک ترانه مانا علاوه بر یک خواننده خوب، نیازمند یک شعر عالی و آهنگ‌سازی متعالی و ارکستری متوازن است؛ اما چه‌بسا کم نیست آثاری که با برخورداری از شعر فاخر و آهنگ‌سازی متعالی، به دلیل ضعف خواننده نمره‌ای پذیرفتنی نیافته؛ اما در عوض خواننده‌ای تنها به خاطر قدرت اجرایش، تا حدود زیادی بر دو ضعف پیشین غلبه کرده است. بنابراین اساسا در موسیقی ایرانی میبخت خواننده‌سالاری یک میبخت ساختگی برای مقابله با واقعیت ملموس‌ی است که مخرج مشترک میان خواص و عوام است. شاید تعیین مصادیق عام و خاص در این مقوله تا حدودی متفاوت باشد؛ اما تردیدی نیست در نهاد و نهان هر دو جریان، قهرمان مؤید هنر آنها خواننده است. درحال‌حاضر در حیطه موسیقی پاپ ما با خوانندگان بسیار مشهوری مواجهیم که یک‌دهم توانایی نوازندگان ارکسترشان را ندارند؛ اما این نوازندگان این واقعیت را پذیرفته‌اند که بدون همین خوانندگان، هم معاششان در خطر است و هم به همان میزان اعتبارشان. این واقعیت توطئه هیچ خواننده‌ای نیست؛ بلکه حکایت از اهمیت موسیقی کلام‌محور شرقی در موسیقی ایرانی است که به خواننده تا این اندازه اعتبار می‌دهد. از سوی دیگر اشتباهات کوچک یک خواننده در یک اجرای صحنه‌ای، بعات به‌مراتب بدتری برای او از اشتباهات بزرگ‌تر اعضای ارکسترش خواهد داشت؛ یعنی خواننده در دو لبه یک تیغ قرار دارد که اشتباهاتش چه در حوزه هنر و چه رویکردهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی می‌تواند به‌شدت به اعتبار او لطمه وارد آورد و تازمانی‌که موسیقی ایرانی اهمیت خود را بر موسیقی با کلام نهدا، این واقعیت تغییرناپذیر است؛ اما باعث پیدایش مافیاهایی چه در حیطه موسیقی پاپ و چه موسیقی ایرانی شده که به نظر باید با آن به مبارزه برخاست.

کسانی هدف را به غلط تشخیص داده‌اند و به‌جای اصلاح یک رویکرد در فرایند موسیقی، به مبارزه با نوعی ویژگی برخاسته‌اند که باید این واقعیت را (خواننده‌محوری) با توجه به سرشت موسیقی با کلام، هم واقعیتی تاریخی بدانیم و هم واقعیتی ذاتی. امید که این مقاله کوتاه و گذرا فتحی برای مباحث جدی‌تر در شناسایی مفهوم موسیقی فاخر باشد.